

آی قریون لهجه‌های سیرجونے تون

حسام الدین اسلاملو

گزارش

**پسرم! وقتے مے بینے کسے لهجه دارد،
معنايش این است که از تو یک زبان
بیشتر مے داند.**



تپ تند تهرانی حرف زدن در سیرجان آن قدر رواج گرفته است که دور از ذهن نیست اگر به زودی سیرجان را تهران کوچولو لقب بدهند. گروه‌های سنی اصلی که هدف این اصرار بر ادا و اصول و حرف زدن با گویش تهرانی هستند، کودکان و نوجوانان‌اند.

یعنی در واقع یا توسط همکلاسی‌ها مسخره می‌شوند و هم را دست می‌اندازند و هم توسط پدر و مادرها که اعتماد به نفسی پیرامون لهجه ندارند و از خود نمی‌پرسند چرا هرجای ایران لهجه‌ی خودش را نداشته باشد و اینگونه که تکراری و لوس می‌شود که مثلاً شما از سیرجان تا کرمان و شیراز و یزد و اصفهان و مشهد هر جا بروید همه بخواهند تهرانی را ملاک فارسی صحبت کردن قرار بدهند چون آنجا پایتخت است. خب پایتخت است که باشد. زمانی هم شیراز و اصفهان و تبریز پایتخت بوده‌اند. یا در دوره‌هایی حتی پایتخت ایران در عراق امروزی بوده. آیا اجدادمان می‌بایست فارسی را کنار بگذارند و عربی حرف بزنند؟

نگارنده مخالفتی با اینکه فارسی معیار را هم تمرین کنیم تا کودکان مان در صورت مسافرت یا مهاجرت به شهرهای دیگر ایران به مشکل برخوردند. اما لزومی ندارد نخواهیم در جمع خودمانی لهجه‌ی سیرجونی را کنار بگذاریم و آن را بد بدانیم. اخیراً حتی دیده شده که خانواده‌ها کودکان‌شان را مجبور کرده‌اند متن‌های سنگین را با کلمات قلمبه سلمبه حفظ کنند و بعد با دلپره فراوان آن را در جمع اجرا کنند یا به کلاس‌های فن بیان بروند. گرچه وادار کردن کودک به تربیت صدا کار عبثی‌ست. مسئله دیگر چشم و هم چشمی بین والدین برای این موارد است که بچه‌ها را در یک فضای رقابتی آسیب‌زا در خانواده قرار می‌دهد.

هفت هشت سالی هست که خانواده‌های سیرجانی به صحبت کردن بچه‌هاشان اهمیت می‌دهند. اینکه بچه تپق نزنند و بدون لهجه صحبت کنند و اعتماد به نفس داشته باشد.

این را برخی مربیان فن بیان در سیرجان با افتخار می‌گویند و اصلاً هم به این نکته توجه ندارند که چرا حرف زدن با لهجه بد باشد؟! در عوض سبک حرف زدن تصنعی برخی مجریان را تقلید کردن و رواج دادن خوب به نظر بیاید!

چرا خانواده‌ها اصرار دارند کودکان خردسالشان را به کلاس‌های فن بیان بفرستند، شاید به خاطر این است که خانواده‌ها دغدغه پیدا کردن که بچه‌ها خوب صحبت کنند. باز دغدغه دارند که نکند یکی دوسال دیر بشود و بچه دیگر نتواند خوب صحبت بکند. آشکار است که خانواده‌های سیرجانی دغدغه‌شان مجری شدن فرزندشان نیست و فقط دغدغه‌ی کلامی و بیانی دارند. در واقع دوبلوری و اجرا حاشیه است. فن بیان و فن کلام و زیبا صحبت کردن پسر و دخترشان اهمیت دارد.

درحالی که آموزش نابجا و غیرحرفه‌ای در زمینه فن بیان در سیرجان وجود دارد و برخی کلاس‌های فن بیان با لهجه‌های محلی زاویه دارند و بچه را دچار ضعف اعتماد به نفس در زمینه صحبت کردن با لهجه می‌کنند. اما می‌توان در کنار حفظ لهجه و صحبت کردن با آن در خانواده، بچه‌ها را با تمرین شعرخوانی به گفتار رسمی و معیار مسلط کرد.

حتماً می‌شود در کلاس فن بیان، لهجه انکار نشود. فقط تمرین صحبت کردن با زبان معیار باشد. حتی به این نکته توجه کنیم که با لهجه و گویش محلی می‌شود در محلی که اختصاصی مردم همان محل دعوتند، اجرا کرد. هم بهتر فهمیده می‌شود و هم قشنگ است و به مردم محلی اعتماد به نفس می‌دهد.

بچه‌های امروزی که نباید قربانی ناکامی والدین در دوران کودکی و نوجوانی‌شان بشوند و اگر زمانی سیاست‌های غلط صداوسیما موجب مسخره شدن لهجه‌های محلی شده، این روند نباید حالا توسط خانواده‌ها تکرار شود.

تصور خام این است که با انکار لهجه ارتباط کودک با جامعه بهتر شکل می‌گیرد درحالی که به قول یک فیلسوف هرکسی که با ته لهجه‌ای در زبان دارد، یعنی یک زبان بیشتر می‌داند.



www.AmirMostafa.com

